

دستور جلسه: طرح‌های مرتعداری

حاضرین: دکتر ارزانی، مهندس خادمی، مهندس فیاض، دکتر افتخاری، مهندس زهدی (شورای عالی جنگل و مرتع)، مهندس بهزاد، مهندس دلاوری (معاون فنی اداره منابع طبیعی خراسان رضوی)، مهندس پویا (دبیر کانون انجمن صنفی مرتعداران کشور)، مهندس طاهری یگانه (مرکز اصلاح نژاد و بهبود تولیدات دامی کشور)، مهندس صیادنژاد (معاون فنی مرکز اصلاح نژاد و بهبود تولیدات دامی کشور)، دکتر نعمت‌آبی، مهندس والی، مهندس آزادی و سرکار خانم دکتر رضوی و مهندس اژدری (شرکت سنستا).

غایبین: مهندس یآوری، دکتر باغستانی، مهندس قزلسفلو (معاون فنی اداره منابع طبیعی گلستان)، مهندس صفرزاده (بازنشست شدند)، دکتر رزاقی، مهندس پهلوان (رییس انجمن صنفی مرتعداران کشور)، مهندس یوسفی.

نظرات ارائه شده در جلسه:

- دولت در مدیریت مرتع اقتدار لازم را ندارد، پشتیبانی مالی در حوزه مدیریت مراتع در قیاس با دیگر بخشها در سازمان جنگلها بسیار اندک است. باید در این زمینه همه بخشها تلاش کنند و عواقب کم توجهی به مراتع را به مدیران ارشد منعکس گردد. دفتر فنی مرتع باید فعالتر و مطالبات بیشتری در این زمینه داشته باشد. موسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور و دانشگاه‌ها هم باید به دفتر فنی مرتع کمک نمایند. باید از ظرفیتهای موجود بهتر استفاده شود. متقاضی رشته مرتع در دانشگاهها کاهش یافته و تصور بر این است که جذابیت رشته مرتع کم شده است لذا نام این رشته به رشته مهندسی طبیعت تغییر پیدا کرده است. در حال حاضر ۲۸ دانشکده داریم که رشته های منابع طبیعی در آنها تدریس می شود. با این تغییر نام سه رشته مرتع، آبخیز و بیابان در رشته مهندسی طبیعت ادغام شده است. وزرات علوم هم با درجه بندی دانشگاه‌ها به سه رتبه مختلف، قصد حذف برخی رشته‌ها را در برخی دانشگاه‌ها دارد. آموزش مجازی هم از بخش کشاورزی و منابع طبیعی حذف خواهد شد (دکتر ارزانی).

- در سازمان جنگلها و مراتع و دیگر بخشهای کشور از جمله دانشگاه‌ها اقدامات و تصمیمات منجر به تضعیف مدیریت مراتع شده است. اینکه مراتع با این وسعت و اهمیت اعتبارشان این قدر اندک و یا راه اندازی رشته مهندسی طبیعت و حذف رشته مرتع و آبخیزداری همه دلالت بر حرکت به سوی تضعیف مرتعداری در کشور است (مهندس بهزاد).

- دو قانون اصلی و مادر در زمینه منابع طبیعی وجود دارد یکی قانون ملی شدن جنگلها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۱ و دیگری قانون حفاظت و بهره برداری مصوب سال ۱۳۴۶. قانون ملی شدن جنگلها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۱ تاثیر شگرفی در منابع طبیعی کشور داشته و متأسفانه تاکنون کار عملی راجع به تاثیر قانون ملی شدن جنگلها و مراتع بر عرصه جنگلها و مراتع وجود ندارد و موارد موجود همگی نظری هستند. نظرات موجود هم تاثیر این قانون بر عرصه جنگلها را مثبت و بر عرصه مراتع را منفی دانسته اند. دلیل این امر هم وجود نظام و سیستم مدیریت چند هزار ساله و کارآمد مرتعداری در کشور مبتنی بر دانش بومی مرتعداران بود. با ملی شدن مراتع این نظام کارآمد که حاصل دانش و تجربه چند هزارساله بود به یکباره حذف و هیچ سیستم مدیریت مناسبی نیز جایگزین نگردید. از سوی دیگر با توجه به عدم وجود نیروی انسانی، نیروی متخصص کارآمد و کافی، امکانات محدود و با توجه به وجود شرط مبنی بر وجود یا عدم وجود آثار شخم، بیشتر مراتع شخم زده شدند. عکسهای هوایی سراسری ایران یکی متعلق به سال ۱۳۳۵-۳۶ (مقیاس ۱:۵۵۰۰۰) و دیگری عکسهای متعلق به سالهای ۱۳۴۵ به بعد می باشد (عکس های سراسری ۱۳۴۵-۴۶ و عکسهای سراسری ۱۳۵۵-۵۶ و ...) (مقیاس ۱:۲۰۰۰۰) می باشد که مبنای قضاوت عرصه های ملی از مستثنیات هستند. با مقایسه این دو سری عکس متوجه تغییر کاربریهای شدید در کشور به ویژه در سطح مراتع هستیم. لذا قانون ملی شدن جنگلها و مراتع دو ضربه مهلک به عرصه مراتع

وارد می‌کند اول حذف نظام مدیریت کارآمد که حاصل علم و تجربه چند هزارساله بود و دیگری کاهش سطح مراتع ناشی از تغییر کاربری و به زیر شخم بردن عرصه های مرتعی به جهت تملیک بر آنها. نکته تاسف آور دیگر اینکه هنوز نیز ادارات منابع طبیعی درگیر پرونده های شخم و تغییر کاربری غیر قانونی مراتع هستند. یعنی بعد از گذشت ۵۵ سال هنوز پرونده شخم مراتع باز است. قانون حفاظت و بهره برداری مصوب سال ۱۳۴۶ نیز دارای تاثیراتی بر عرصه مراتع بوده است که خوشبختانه بر خلاف قانون قبلی دارای تاثیرات مثبت بر عرصه مراتع بوده و توانسته تا حدودی جلوی تخریب مراتع را بگیرد. دو اتفاق مهم در اثر اجرای این قانون رخ داد اول اینکه نواقص قانون قبلی برطرف شده و موارد جدیدی به آن اضافه شد. از جمله ماده ۳ این قانون می‌باشد که به طور نمونه در تبصره ۱ ماده ۳ اشاره شده است که باید برای همه مراتع طرح مرتعداری تهیه شود و در صورت عدم تهیه طرح مرتعداری سازمان جنگلها موظف است با تهیه دستورالعملی برای مراتع فاقد طرح عملیات ممیزی انجام دهد و پروانه چرا برای مراتع فاقد طرح مرتعداری تهیه کند. دوم اینکه بلافاصله پس از تصویب این قانون وزارت منابع طبیعی ایجاد می‌شود که این یعنی ساز و کار دولتی اجرای قانون سال ۱۳۴۶ فراهم می‌شود. تشکیلاتی قوی و متخصص با رویکرد حفاظت از عرصه های منابع طبیعی. اولین طرح مرتعداری نیز در سال ۱۳۴۷ در سطح وسیع در منطقه فیروزکوه و دومین طرح مرتعداری نیز در سطح وسیع و در منطقه خلشکوه گیلان با نظارت دکتر گودوین تهیه می‌شود. اولین دستورالعمل ممیزی مرتع نیز در سال ۱۳۴۸ تهیه شده و آگهی می‌شود. و حدود ۱۵ میلیون هکتار از مراتع کشور نیز تا دهه های ۱۳۵۰ ممیزی می‌شود. لذا از این سالها به بعد دو قانون مهم و سند فرادستی در عرصه مراتع و تشکیلات متولی آن وجود دارد. یکی قانون ماده ۳ که می‌گوید هر طرحی که قرار است در عرصه مراتع تهیه شود باید بر مبنای دستورالعمل ماده ۳ باشد. بر طبق این دستورالعمل عرصه مراتع باید ملی باقی مانده و در مالکیت دولت باشد اما حق بهره برداری و انتفاع از مراتع به شخص حقیقی یا حقوقی واگذار می‌شود. قانون دوم ممیزی مراتع می‌باشد. ممیزی مرتع شامل ۴ بخش اصلی بود. اول تشخیص عرصه یا حدود اربعه سامان عرفی، دوم تشخیص دامدار(ان) ذیحق بر مبنای حقوق عرفی، سوم تعیین ظرفیت چرای مراتع و چهارم تعیین فصل چرا. در سالهای ۱۳۵۷-۵۸ دستورالعمل جدیدی تصویب می‌شود که نقطه عطفی در به هم خوردن تعادل دام و مرتع در کشور می‌باشد. بعد از انقلاب هیات های ۷ نفره تشکیل می‌شود که دستورالعمل ممیزی قبل از انقلاب را منتفی می‌کنند. دستورالعمل جدیدی (دستورالعمل ممیزی دهه ۶۰) تهیه شده و هیات های ۷ نفره تشکیل می‌شود در حالیکه از این ۷ نفر تنها یک نفر از بخش منابع طبیعی بوده است. همزمان بسیاری از دامداران بزرگ نیز که انسجام و نظم بهره برداری در مراتع نیز تا حدود زیادی به حضور و مدیریت این افراد وابسته بوده است؛ از ایران خارج شده و از عرصه مدیریت مراتع حذف می‌شوند. چوپانها و کارگران این دامداران بزرگ و خارج شده از کشور، در شرایط مساعد به وجود آمده که عرصه ها خالی از بهره بردار شده است، تقاضای پروانه چرا می‌کنند. هیات های ۷ نفره هم با توجه به شرایط آن بازه زمانی که بیشتر در جهت حمایت از اقشار ضعیف بوده است، برای این افراد پروانه چرا صادر می‌کنند. لذا بخش زیادی از چوپان های کم تجربه و حتی کارگران در این زمان صاحب پروانه چرا و حق بهره برداری می‌گردند. و به یکباره تعداد دامدار در این کشور زیاد می‌شود. دستگاه متولی مرتع متوجه این امر شده و در سال ۱۳۶۹ دستورالعمل جدیدی تهیه می‌کند که تا حدودی برخی مشکلات را حل و فصل می‌کند. از سال ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۸۱ سطوح زیادی از مراتع کشور ممیزی می‌گردد. در سال ۱۳۸۱ دستورالعمل ممیزی جدیدی تهیه می‌شود و دستورالعملهای قبلی ممیزی مرتع را تکمیل می‌کند. در نهایت در سال گذشته (۱۳۹۵) دستورالعمل ممیزی جدیدی تهیه می‌شود که متأسفانه از دستورالعمل سال ۱۳۸۱ ضعیف تر بوده و دارای اشکالات حقوقی می‌باشد. و به نظر نتواند در حل مشکلات تعادل دام و مرتع خیلی موثر عمل نماید. دو قانون مهم دیگر در ارتباط با منابع طبیعی و مراتع وجود دارد. اولی قانون حفظ ذخایر ژنتیکی مصوب سال ۱۳۷۱ که در این قانون به حفظ گونه های مهم درختی و گونه بوته ای گون اشاره شده است. اشاره به گونه گون باعث شده است که در این ۲۵ سال در بسیاری از مناطق از واگذاریها جلوگیری به عمل آید. در واقع در دهه ۷۰ که واگذاریها به اوج خود رسیده بود، کارشناسان زبده و فهیم آن زمان سازمان جنگلها و مراتع با اشاره به گونه گون از تاراج منابع طبیعی جلوگیری کردند. قانون دوم شیوه نامه بررسی و تعیین حقوق عرفی

مرتعداران می باشد که تبدیل به احکام دایمی شده است. در این قانون در صورت واگذاری مراتع، حقوق مرتعداری دامدار محاسبه شده و به او تحویل داده می شود. در نهایت باید اذعان نمود که بسیاری از قوانین موجود در عرصه مراتع نیاز به بازنگری داشته و باید به روز شوند. نکته مهم دیگر اینکه با توجه به تحقیق اینجانب در رساله دکتری و با مصاحبه و پرسشنامه با ۲۵۶ نفر مشخص شد که اطلاعات متخصصین مرتع نسبت به مسایل حقوقی و قانونی در مراتع اندک می باشد. و این ناشی از عدم کفایت دروس حقوقی و قانونی برای دانشجویان این رشته در دوره کارشناسی می باشد. در بخش تحقیقات هم در این ۵۵ سال هیچ تحقیقی روی قوانین مرتعداری انجام نشده است (مهندس زهدی).

- در دوره های قبلی (رژیم قبلی) قانونی نبوده و مردم خودشان مراتع را مدیریت می کردند و مشکلی هم نبوده است. اینکه آنها توانستند مراتع را خوب مدیریت کنند به این دلیل بود که تعلق خاطر به مراتع خود داشتند و مراتع را جزء اموال خودشان می دانستند. امروز دولت برای عشایر تعیین می کند که چگونه مرتعداری کنند درحالیکه تمام اجداد این افراد دامدار بوده و به خوبی مراتع تحت مدیریت خود را اداره می کردند. امروز با وجود نظارت دولت، قوانین و ... تخریب روز به روز در مراتع در حال افزایش است. باید اشتباهات و نواقص گذشته را بپذیریم و برای حل مشکلات برنامه داشته باشیم. شاید امروز آخرین شانس برای نجات و احیاء مراتع کشور باشد و این شانس ایجاد انسجام و نظام صحیح بهره برداری برای مرتعداری کشور است. همانگونه که قبلا بود (دکتر رضوی).

- در یک تحقیق که در یک عرصه نسبتا کوچک در ییلاق دو تا از تیره های طایفه فارسی مدان ایل قشقایی انجام شده است، با عکسهای هوایی و تصاویر ماهواره ای میزان و شدت تخریب مراتع بررسی شد و نتایج بررسی نشان داد که در سالهای اجرای قوانینی که بری منابع طبیعی تصویب شد (قانون ملی شدن مراتع، افزایش بهره وری کشاورزی و ...)، مراتع به شدت دچار تغییر کاربری شده و تخریب شده اند و در عوض به وسعت زمینهای کشاورزی به میزان زیادی افزوده شده است. و جالبتر اینکه عرصه های مراتع ابتدا تبدیل به زمینهای زراعی و در نهایت تبدیل به باغ می شوند. به ویژه در سال ۱۳۸۹ که قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی ابلاغ شده است. برخی بندهای این قانون علمی و معقول بوده است اما در یک بند این قانون اشاره شده است که افرادی که دارای پرونده های تخریب و تصرف زمین هستند به مدت یکسال زمان دارند تا در مورد مالکیت زمینهای یاد شده ادعا کنند. این بند باعث شده که در طی سال ۱۳۸۹ هم جمعیت افراد موجود در روستاهای کشور زیاد شود و هم مراتع به شدت شخم خورده و تخریب شوند (مهندس اژدری).

- ماده ۵۲ دستورالعمل ممیزی جدید دارای اشکال است. قبلا اگر عشایر اسکان می یافتند قطب مخالف آنها واگذار می شد اما در قانون جدید قطب موافق هم واگذار می گردد و معلوم هم نیست که به چه شخصی و با چه شرایطی واگذار می شود. این مساله به تکه تکه شدن بیشتر مراتع و بر هم خوردن هندسه مراتع منجر خواهد شد. این در حالیست که عشایر خود با دامهایشان در محل اسکان حضور دارند و باید حداقل مراتع قطب موافق متعلق به خود آنها باشد و برای آنها ایجاد انگیزه کند نه اینکه با واگذاری مراتع به افرادی که صلاحیت و حق آنها ندارند ایجاد تنشهای اجتماعی کنیم. حتی می توان قوانین مراتع روستایی و حریم را برای مراتع قطب موافق عشایر اسکان یافته اجرا نمود (دکتر نعمت ا...ی).

- ایجاد زیرساخت برای هر طرحی از امور اساسی مدیریت می باشد و تا زیر ساخت طراحی و معرفی نشود هیچ طرح را نمی توان به طور موفقیت آمیزی اجرا نمود. در بررسی تاریخچه مرتعداری کشور نکته مهم و باریکی وجود دارد و آن مردم (دامدار روستایی و عشایری، چوپان و ...) هستند. دامداران همان افراد قدیمی هستند و هیچ شخصی از شهر وارد روستا نشده است تا دامداری کند. جامعه مرتعداری کشور تقریبا ثابت است. قوانین تغییر می کنند و عوض می شوند اما مردم همان مردم هستند. جامعه بهره بردار از مراتع به صورت منحنی فکر می کنند نه هندسی یعنی خود را با قوانین موجود تطبیق می دهند نه اینکه با قوانین خود را بشکنند و

کاملاً تغییر دهند. سازمان جنگلها و مراتع باید با برنامه ریزی منظم و صحیح پیش برود و به دنبال اجرای دقیق برنامه خود باشد نه اینکه آنرا رها کند. سازمان جنگلها و مراتع دستوری عمل می‌کند و تاب و تحمل هیچ پیشنهادی را ندارد. ترک دامداری نباید باعث ابطال پروانه شود بلکه ترک مرتعداری باید باعث ابطال پروانه گردد. باید اطلاعات دامداران ثبت و ضبط شود و هندسه مراتع و یکپارچگی آنها حفظ شود. در اجرای طرح مرتعداری قراردادهای یک طرفه است و بیشتر در جهت لغو حق دامدار می‌باشد و فقط از دامدار تعهد می‌گیرند. اما اگر دامداری در مرتع خود بذریا می‌کند و تولید مرتع خود را بالا ببرد به او اجازه افزایش تعداد دام را نمی‌دهند. لذا منافع دامدار را سازمان لحاظ نمی‌کند و دامداران نیز انگیزه‌ای برای احیا و اصلاح مراتع خود ندارند. نتیجه این کار خروج نخبگان از مراتع و انجمنهای صنفی است. اینکه انجمنهای صنفی از کارایی بالایی برخوردار نمی‌باشند شاید به همین دلیل و دلایل دیگر باشد. انجمن‌های صنفی مرتعداران با این تعداد مرتعدار و این همه شعبه در کشور، در حل مشکلات دامداران عملکرد مناسبی ندارد. اگر تاکنون ۱۰۰ مشکل توسط این انجمنها حل شده بود، امروز بسیاری از مشکلات مراتع و بهره‌برداران کشور حل شده بود. راجع به مراتع بیشتر نظر داده شده است در حالیکه باید تحقیق انجام شود. یعنی به جای کار عملی در کشور که پایه است فقط ایده‌های نظری وجود دارد. باید برای منازعات بین مرتعداران و یا منازعات بین مرتعداران و دولت، ارگانی برای داوری و حل و فصل تعیین شود نه اینکه از دولت حمایت شود. ما هنوز مشکلات مراتع خود را نمی‌شناسیم. ما در شناخت، طراحی و برنامه ریزی در مراتع مشکل اساسی داریم. تا ندانیم مشکلات مراتع چه می‌باشد آیا می‌توان برنامه مناسبی برای حل معضلات مراتع ارائه کرد؟! اگر پزشک مشکل بیمار خود را خوب تشخیص ندهد آیا بیماری درمان می‌شود؟! (مهندس خادمی).

- تجربه در کشور نشان می‌دهد که قانون ناظر بر مدیریت تاثیر عمیقی در مدیریت مراتع در پی داشته است. به صورت کلی مدیریت مراتع کشور تضعیف شده است. لذا چگونگی تقویت تشکیلات مراتع، بهبود و به روز کردن قوانین نیاز به تحقیق دارد (مهندس فیاض).

- اگر قانون مطابق زندگی و معیشت و عرف مردم نباشد؛ مردم آنرا نخواهند پذیرفت. ما اطلاعات اندکی راجع به مردم بومی و دانش بومی آنها داریم. قانون افزایش بهره‌وری و رفع موانع تولید به منابع طبیعی کشور بسیار صدمه زده است. به طور نمونه در منطقه ارسباران استاندار و نمایندگان در بهترین منطقه در موقعیت سه تیغ با پوشش ۱۰۰ درصد تقاضای ۲۷۰۰ هکتار واگذاری را برای معادن دادند که خود چنین تقاضایی بسیار جای تعجب داشته و مایه تاسف است. واگذاری معادن در نقاط مختلف بسیار مراتع را تخریب کرده است و باید برای آن راهکاری اندیشیده شود. بخش معدن قانونی را تصویب کرده است که به موجب آن کارگروهی را در استان ایجاد می‌کند و در صورت مخالفت منابع طبیعی اجازه را از کارگروه مربوطه می‌گیرد. کما اینکه سازمان جنگلها و مراتع و ادارات مربوطه هیچ قانون تدوین شده و خاصی هم برای مقابله با موارد اینچنینی ندارند. لذا تعیین یک ماده واحده در این زمینه برای حفظ مراتع از تخریب وسیع ناشی از فعالیت معادن ضروری می‌باشد. با توجه به قانون جدید رفع موانع تولید، اگر هیچ ارگانی هم اجازه واگذاری و بهره‌برداری را نداد یک کارگروه تشکیل می‌شود و اجازه واگذاری و بهره‌برداری از معدن را به شخص متقاضی می‌دهد. این یک معضل مهم در مدیریت مراتع کشور می‌باشد که باید برای آن فکری کرد (مهندس زهدی).

- دستورالعمل ممیزی سال ۱۳۹۵ دستورالعمل خوبی است و مشکل خاصی ندارد. این دستورالعمل در راستای کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش تعلق خاطر دامداران است. قوانین مشکل خاصی ندارند و بیشتر مشکل اجرای قانون در کشور به چشم می‌خورد. باید قضات منابع طبیعی مسایل مربوط به مرتع را بدانند و با توجه به دانش منابع طبیعی و اهمیت حفظ و تبعات ناشی از تخریب مراتع، قضاوت را انجام بدهند. بخش ترویج هم باید دامداران را از اهمیت‌های مراتع آگاه کند. سیصد هزار هکتار از مراتع ۶/۵ میلیون هکتاری خراسان ممیزی نشده است. در بقیه مراتع خراسان عملیات ممیزی انجام شده است. در کل کشور نیز حدود ۹۰ درصد مراتع ممیزی شده‌اند. ابزار کار و اجرای قانون مرتع قوه قضاییه است و متأسفانه قوه قضاییه اقتدار را از سازمان جنگلها و مراتع و ادارات منابع

طبیعی گرفته است زیرا در اجرا و اعمال قانون عملکرد قابل قبولی ندارد و این ناشی از عدم آگاهی قضات به مسایل منابع طبیعی و مراتع کشور می باشد (مهندس دلاوری).

- مرتعداران قوانین را خوب می دانند و ناآگاه نمی باشند. مرتعداران قدیمی اطلاعات خوبی راجع به مرتعداری و قوانین آن داشتند. ظرفیت مرتع را قبل از ورود به مرتع توسط افراد خبره برآورد می نمودند و بر مبنای آن دام وارد می نمودند. رفتار آنها بر مبنای قانون و حفظ مراتع بوده است (دکتر رضوی).

- قانون وحی منزل نمی باشد. باید ایرادات قانون شناسایی و برطرف گردد. از جمله مشکلات دستورالعمل جدید ممیزی کوتاه شدن دوره حق بهره برداری از مراتع از ۳۰ سال به ۱۵ سال می باشد و اینکه قراردادها دو طرفه و قابل پیگیری باشند نه اینکه به صورت حکمی از سازمان جنگلها و مراتع باشد. اگر مرتعداری تقاضای بررسی تجدید نظر در ظرفیت مرتع را داد، باید اداره کل منابع طبیعی آنرا انجام دهد. باید قوانین جدید به صورت اطلاعیه یا پیامک به مرتعداران اطلاع داده شود (مهندس خادم).

- ۹ میلیون هکتار مراتع ممیزی نشده در کشور داریم که سطح آنها اغلب کوچک بوده و در آنها تنشهای اجتماعی شدیدی وجود دارد. بحثهای انجام شده در طی این جلسات کمی جسته و گریخته بوده و از طرحهای مرتعداری که اصل ماجرا و بحث اصلی می باشد؛ دور شدیم. به نحوی که راجع به بسیاری از مسایل بحث می شود اما از طرحهای مرتعداری کمتر حرفی به میان می آید. باید در این جلسات راجع به شرح خدمات، نحوه تهیه، تصویب، واگذاری، قرارداد، اجرا و نظارت بر طرحهای مرتعداری به طور جداگانه و مفصل بحث انجام شود و به یک نتیجه واحد برسیم و آنرا برای بخشهای مختلف کشور ارسال کنیم. گذشته، حال و آینده طرحهای مرتعداری و پیشنهادات راجع به طرحهای مرتعداری ارایه شده است. می توان روی آن کارشناسی انجام شود و اشکالات آنرا برطرف کرد. قضات منابع طبیعی نیز با نحوه قضاوت خود اقتدار سازمان جنگلها و مراتع و ادارات منابع طبیعی را از بین برده اند (مهندس بهزاد).

- دستورالعمل ممیزی مرتع با حساسیت و پیگیری زیاد از طرف سازمان جنگلها و مراتع و با کمک کارشناسان استانها ارزیابی شده است. در ارتباط با قانون و قوانین مرتعداری در کشور سه مشکل بزرگ وجود دارد. اول در مواردی که راجع به موضوع و یا مشکلی قانونی نداریم، دوم در مواردی که راجع به موضوع و یا مشکلی، قانون داریم اما قدیمی است و به روز نمی شود و مشکل سوم که از همه مهمتر است اینکه راجع به موضوع و یا مشکلی، قانون داریم و قانون مناسب و به روز است اما اجرا نمی گردد یعنی بیشتر مشکلات در عدم اجرای قوانین می باشد. لذا قوانین منابع طبیعی کشور ضمانت اجرایی ندارند. مثلاً قانون حفظ ذخایر ژنتیکی نیاز به بازنگری در مورد گون دارد که متأسفانه انجام نشده است. یا بحث رقومی سازی به روز و جدید در طرحهای مرتعداری یا مراتع دارای ممیزی از اهم موارد است که بسیاری از موارد همچون سطح مراتع، ظرفیت آنها و بسیاری از موارد ضروری دیگر را حل می کند که متأسفانه به دلیل نبود بودجه، امکانات و تجهیزات به فراموشی سپرده شده است (مهندس آزادی).

- راجع به دستورالعمل جدید ممیزی مراتع انجمن صنفی مرتعداران چندین جلسه در گرگان برگزار به طور مفصل بحث شده است. جملات این دستورالعمل بند بند بررسی و تصحیح شده اند. در ارتباط با ظرفیت مرتع قبلاً در اکثر مراتع یکبار علف چین انجام می شد که الان انجام نمی شود و این باید به نوعی در طرحهای جدید در ظرفیت مراتع در نظر گرفته شود. در ارتباط با ورود و خروج هم هر ساله با توجه به بارش و درجه هوا اداره منابع طبیعی زمان ورود و خروج را تعیین می کند. بهترین مراتع آزادبر که دارای طرح بودند؛ تغییر کاربری داده و تبدیل به شهرک صنعتی کرده اند و بعد از تشکیل شهرک صنعتی و ساخت سیلو و ابنیه مشاهده می شود که شهرک با نصف ظرفیت یا کمتر کار می کند. سوال اینجاست پس چرا این مقدار زمین تقاضا داده شده است. لذا بیشتر هدف زمین خواری است نه ساخت شهرک صنعتی. (مهندس پویا).

- در واگذاری برای شهرک صنعتی قانون می گوید که یکبار واگذاری در یک استان و یا شهرستان از مناطق دارای طرح مرتعداری امکانپذیر است اما دومین واگذاری برای شهرک صنعتی باید حتما با اجازه دفتر فنی مرتع باشد. بخش اعظمی از تغییرات کاربری قانونی است و در قالب قانون به مردم واگذار می شود (مهندس دلآوری).

- ما تقریبا همه مسایل و مشکلات مرتعداری کشور را می دانیم. اما اینکه چرا در مدیریت مراتع و ایجاد رفاه برای دامدار موفق نبوده ایم جای سوال، تعجب و بررسی دارد. باید واقعیتهای جامعه را دید و بر اساس واقعیات امروز جامعه نسخه پیچی کرد. باید بررسی کرد که چرا ما نمی توانیم قانون منابع طبیعی بنویسیم. قانون باید باعث حفظ منابع طبیعی، تعادل دام و مرتع و در نهایت باعث اقتصادی شدن مرتعداری گردد نه اینکه اهرمی برای آزار مردم باشد. در استان فارس اداره مرتع بر علیه مردم شکایت کرده است اما اداره آبخیزداری مردم را تشویق می کند که بادام بکارید تا به شما سند بهره برداری واگذار شود. جالب اینجاست که هر دو بخش در یک وزارتخانه، یک سازمان، یک استان، یک اداره و یک ساختمان هستند؟! (دکتر ارزانی).

- در فصل سوم دستورالعمل ممیزی جدید آمده است که در صورت واقع شدن پروانه چرا در محدوده شهرها که طرح جامع یا تفصیلی آنها به تصویب مراجع قانونی ذیربط رسیده باشد به شرط رعایت و پرداخت حقوق بهره برداری توسط دستگاه متولی پروانه چرا ابطال می گردد. به طور نمونه حقوق عرفی یک مرتعدار با در نظر گرفتن علوفه مراتع، تعداد دام مجاز، بهره برداری ده ساله از مرتع و یک سری ضرب و تقسیم محاسبه کرده و ۳ تا ۴ میلیون تومان بابت حق دامداری به او می دهند و او را تبدیل به یک دامدار بدون شغل، بدون مرتع و بدون آینده می کنند (مهندس اژدری).

- اغلب موارد قانونی را که در مجلس تایید می شود را نمی توان تغییر داد. بعد از آن قانون در سازمان ها تبدیل به آئین نامه و بخش نامه می شود که روی این موارد باید کار کرد که قابل دخل و تصرف است. طرح جامع مدیریت باید وجود داشته باشد تا تکلیف دامدار در طول سال مشخص باشد. همانند قدیم که دامدار ییلاق، قشلاق، میان بند و مسیر رفت و آمد داشت. تاریخ رفت و برگشت او تقریبا مشخص بود و تکلیف دامداری او در کل سال مشخص بود. ۱۵ روز بیشتر ماندن در مرتع گاهی تا ۴۰ درصد به مرتع آسیب رسانده و باعث تخریب آن می شود (مهندس خادم).

- سهم تولید شیر از مراتع بسیار ناچیز است. گاو های شیری هم به مرتع وابسته نیستند. بخش طیور هم به مرتع وابسته نیست. در بخش تولید گوشت هم ۶۷ میلیون راس گوسفند و بز در کشور داریم که از این میزان ۴۷ میلیون راس گوسفند و ۲۰ میلیون راس بز در کشور وجود دارد. از این میزان حدود ۲۵ درصد آن به مراتع وابسته هستند و حدود ۲۵ درصد تولید گوشت ۳۵۰ هزار تنی کشور (از بخش گوسفند و بز) را تامین می کنند. دو راه برای بهبود اقتصاد دامداری وجود دارد. اولی اصلاح نژاد دام (شناسایی، ثبت و انتخاب) و دوم بهبود روش دامداری برای بهبود و افزایش تولید محصولات دامی. دامداری که مرتع خود را تحویل می دهد باید در سامانه غیر مرتعی مجوز دامداری صنعتی بگیرد و دستورالعمل آن هم مشخص باشد. باید وضعیت موجود را خوب شناسایی کرد تا بتوان مشکل را حل کرد و برنامه ریزی انجام داد (مهندس طاهری یگانه).

- اگر زمینی از مرتعدار گرفته شده و واگذار می شود نباید تنها یکبار بهای آن به مرتعدار پرداخت شود بلکه باید مثل بقیه نقاط دنیا حق مادام العمر برای مرتعدار در نظر گرفته شود زیرا مرتعدار می توانسته خودش و فرزندانش تا ابد از این مرتع درآمد داشته باشند (دکتر رضوی).

- جهان در حال تغییر است و به سمت توسعه می رود. شاید جایی بتوان جلوی آنرا به نفع خودمان بگیریم. اما در کل نمی توان و شاید نباید جلوی توسعه و تغییرات را گرفت. باید یک قوه عاقله روی تغییرات مدیریت کند تا آثار منفی تغییرات را به حداقل رسانده و

حداکثر استفاده را با کمترین ضرر از تغییرات داشته باشیم. باید تغییرات همگون باشد یعنی اگر تغییری اتفاق افتاد باید تواما در مرتع، دام و ... اتفاق بیافتد. به عبارتی تغییرات باید موزون باشد. هر گاه ارگانی تغییرات ایجاد کرد، به همان اندازه و یا دو برابر سطحی که مراتع را تغییر کاربری می دهد باید مراتع را تقویت کند و باعث افزایش بیوماس مراتع شود. و به این ترتیب هر تغییر یا توسعه ای لزوماً به ضرر منابع طبیعی و مراتع نخواهد بود. مثال این موضوع ایجاد مزارع اجداد طیور است که چون به بهترین جایگاه نیاز دارند لذا این مزارع در بهترین مراتع ایجاد شد اما محیط پیرامون خود را با کاشت علوفه دگرگون کرده و توان تولید و بیوماس را بالا بردند به نحو یکه امروز با مشاهده در عکسهای هوایی یا تصاویر ماهواره ای پیرامون این مناطق از سرسبزترین نقاط به شمار می رود. تغییرات سطوح مراتع به سمتی می رود که ناچاریم دامها را در حداقل مقداری از سال و شاید در آینده در طول زیادی از سال تغذیه دستی نمائیم. باید به سمتی برویم که اصل بر حفظ منابع طبیعی باشد و تغییرات را به بهترین نحو مدیریت کنیم. بهتر است مثل بسیاری از کشورها حداقل چند حوزه آبخیز را بدون هیچ تغییری نگه داری نماییم. سال گذشته ۹۰ هزار تن گوشت وارد شده است. ۴/۵ میلیون راس دام هم از ایران صادر شده است که تقریباً معادل ۲۰ هزار تن گوشت می باشد. بین آمار و ارقام تفاوت‌های فاحشی وجود دارد و این مساله مدیریت در مراتع را سخت می کند لذا کدگذاری و شماره گذاری دام یک طرح ایده آل برای مدیریت مراتع کشور است. قوه قضاییه هم قرار شده است که دزدی دامها را به شرطی پیگیری کند که دامها دارای کد باشند. اجرای این سیستم در حال حاضر ارزان و ساده است در حالیکه در گذشته چنین نبود و اجرای آن سخت بود (مهندس صیادنژاد).

- اینکه دولت به مرتع توجه نمی کند به این دلیل است که نقش مرتعداران برای دولت شناخته شده نیست. پروانه چرا برای مرتعدار خیلی مهم است زیرا معیشت او به آن وابسته است. قبل از اجرای هر سیستمی باید مردم را با آموزش به نحوی نسبت به پذیرش آن ترغیب کرد (مهندس والی).

جمع بندی:

- قانون اثرات عمیقی در مدیریت مراتع داشته و نواقص و ضعف قوانین می تواند زمینه تخریب مراتع را فراهم و یا موجب تغییر کاربری مراتع شود و یا جلوی تخریب در مراتع را بگیرد. قوانین موجود در مورد مراتع نیاز به بازنگری دارند.

- دولت در ارتباط با مرتع اقتدار کافی ندارد، اعتبارات بخش مراتع در قیاس با دیگر بخشها در سازمان جنگلها بسیار اندک است. نحوه برخورد قضات با متخلفان در پرونده های منابع طبیعی از دلایل ضعف مدیریت مراتع کشور و اجرای صحیح قانون در مراتع کشور هستند.

- ایجاد انسجام و نظام صحیح بهره برداری از مراتع کشور تنها راه کار اساسی مدیریت صحیح منابع مرتعی می باشد.

- دستورالعمل ممیزی سال ۱۳۹۵ دارای اشکالاتی است که برخی از آنها توسط کارشناسان سازمان و انجمنهای صنفی برطرف شده اما برخی دیگر هنوز نیاز به بازنگری دارند.

والسلام.